

مواضع مقدم شدن فاعل بر مفعول

۱- هنگامی که اعراب اسم منتفی شود و خوف در اشتباه باشد در مواردی که

هر دو اسم مقصور باشند.

ضرب موسی یحیی

هر دو اسم اشاره باشند.

ضرب هذا ذاک

هر دو اسم مضاف به باء باشند.

ضربى أبى غلامى

نکته: جواز مقدم شدن مفعول بر فاعل در موردی است که قرینه ای مبنی بر عدم اُکس و اشتباه باشد.

أکل الکَثْرَى یحیی

۲- فاعل ضمیری متصل باشد و مفعول متاخر از فعل بیاید.

ضربتُ زیداً

۳- مفعول محصور فیه به إلاً یا معنایی که کلمه إلاً را برساند باشد.

ما ضرب زیداً إلاً عمراً

موارد جوازی حذف فعل و فاعل

جواز حذف فعل در صورت وجود قرینه ای

مانند زیدٌ در جواب کسی که پرسد: مَنْ ضَرَبَ؟

جواز حذف فعل و فاعل با هم

مانند نعم در جواب کسی که پرسد: أَمَامَ زیدٌ؟

گاهی فاعل حذف می شود و مفعول جای آن قرار می گیرد در زمانی که فعل مجهول باشد.

ضُرِبَ زیدٌ

٢- نائب فاعل

تعريف

هو كلّ مفعول حُذِفَ فاعله و أقيم المفعولُ مقامه

نحو: ضَرَبَ زَيْدٌ

حكم أن

همان حکم فاعل (در خصوص جنس و عدد فعل)

جایگزین های آن در صورت نبود مفعول به در جمله

مصدر

وصفی

ضَرَبَ ضَرْبًا شَدِيدًا

نوعی

ضَرَبَ ضَرْبَ الْأَمِيرِ

عددی

ضَرَبْتُ ضَرْبَتَيْنِ

ظرف

با وصف

سَمِرْتُ لَيْلَةً كَامِلَةً

به اضافه

جَلَسْتُ أَمَامَ الْأَسْتَاذِ

به علمیت

رَصِمَ رَمَضَانُ

مجرور به حرف ← شرط آن

مجرور به حرف تعلیل نباشد.

مُرَّ بِالْحَدِيقَةِ الْجَمِيلَةِ

در جمله وَقَفَ لَكَ، نائب فاعل، ضمیر مستتر عائد به مصدر یعنی الوقوف است.

